

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی یری میسان - Par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۱۱ فبروری ۲۰۱۴

«زیر چشمان ما»

۶۹ مین واقعه نگاری سیاست بین المللی

کدام ستراتیژی ایالات متحده در خاورمیانه؟

تغییر ناگهانی وضعیت ایالات متحده در روز پیش از گردهمایی ژنیو ۲ موجب شگفتی شد. واشینگتن دیگر خواهان گذار نه از جنگ به صلح، بلکه خواهان گذار از سوریه بشار اسد به سوریه تحت سلطه عربستان سعودی است. از دیدگاه تی یری میسان، این تغییر جهت هدفش متمرکز ساختن رسانه ها روی سوریه بود در حالی که به شکل مخفیانه درباره موضوع اصلی برای ایالات متحده گفت و گو می کنند: یعنی فلسطین.

شبکه ولتر | دمشق (سوریه) | ۷ فوریه ۲۰۱۴



هنگام نخستین روز گشایش مذاکرات ژنیو ۲، جان کری از موضع عربستان سعودی دفاع کرد: با حذف ایران، و ترکیب هیأت نمایندگی مخالفان رژیم سوریه تنها توسط اعضای کنونی اتحادیه ملی، و درخواست استعفاء و محاکمه بشار اسد.

همه از خودشان می پرسند که به چه دلیلی ایالات متحده، از به اجرا گذاشتن توافقات جون ۲۰۱۲ در ژنیو با روسیه جلوگیری کرده است. همه دیدند که چگونه واشینگتن اجرای تعهداتش را به تعویق می اندازد و همه تشخیص داده اند که بیانیه های جان کری تا چه اندازه متناقض است. همه سیر تحولی سازشکارانه بیانیه او را پس از بحران سلاح های کیمیاوی و ارجاع به ژنیو ۳ را به یاد می آورند که چگونه بیانیه «دوستان سوریه» (۱) و به همین گونه سخنرانی نخستین جلسه در مونترو (۲) با مطرح ساختن تغییر رژیم دمشق به عنوان تنها هدف، موجب شگفتی همگانی شد، که در واقع چنین هدفی نقض تمام تعهدات بود و شکست گردهمایی را رقم زد.

بی آن که از ترکیب تک رنگی هیأت «مخالفان سوریه» و باطل کردن دعوتنامه ایران در آخرین ساعات چیزی بگوئیم. تقریباً از سه سال پیش، واشینگتن هر روز بشار اسد را به شنیع ترین جنایات متهم کرده است، بی آن که بتواند توضیح دهد پس چرا این همه سوری ها از نهادهایشان دفاع می کنند (بین ۶۰ و ۸۸ درصد بر اساس گمانه زنی های اخیر). ولی واشینگتن از یک هفته پیش، یکی از شعبات «مخالفان سوریه» را به تدارک برای اقدامات خشونت آمیز علیه ایالات متحده متهم کرده است.

مثل هر سال، مدیر اطلاعات ملی ایالات متحده جیمز کلاپر روز چهارشنبه ۲۹ جنوری ۲۰۱۴ در حضور کمیسیون اطلاعات سنا سنتزی از تهدیداتی که «امریکا» را هدف گرفته است مطرح کرد (۳). در مورد سوریه، او رقم افسانه پردازانه ای در رابطه با ترکیب نیروهای نظامی «شورشیان» ارائه کرد، که گوئی ۸۰ درصد آنها از معتدلان هستند و سزاوار دریافت کمک های نظامی هستند که به شکل مخفیانه به تصویب کنگره رسیده است (۴). او به ویژه تأکید داشت که کشور به مرکزی برای جذب تمام تروریست های جهان تبدیل شده. و گزارش شگفت آور حاکی از این امر بود که حتی برخی از آنها در حال تدارک حمله به ایالات متحده هستند.



سناتورهای ایالات متحده طی ۴۵ دقیقه پشت درهای بسته، در حاشیه گردهمایی مونیخ پیرامون مسأله امنیت، با وزیر امور خارجه جان کری ملاقات داشتند. دو نفر از آنها، جمهوری خواهان جان مک کین و لیندسی گراهام، محتوای این مذاکرات را طی مصاحبه مطبوعاتی مطرح کردند.

یکشنبه ۲ فبروری ۲۰۱۴، پانزده تن از سناتورهای ایالات متحده در حاشیه گردهمایی در مونیخ مرتبط به مسائل امنیتی، با جان کری ملاقات داشتند. دو نفر از شرکت کنندگان، جان مک کین و لیندسی گراهام با «فرد هیت» روزنامه نگار واشینگتن پست (۵)، جفری گولدربرگ از بلومبرگ (۶) و جوش روگین از دیلی بست (۷) مصاحبه داشتند. به

گزارش این روزنامه نگاران، وزیر امور خارجه اعتراف کرده است که واشینگتن در سوریه با شکست مواجه شده و به تحویل سلاح کشنده به برخی از «شورشیان» نیز اشاره داشته است.

سخنگوی وزارت امور خارجه، جنیفر پساکی، و سخنگوی کاخ سفید جی کارنی با عجله خلاف نظریات دو سناتور را مطرح کردند. ولی هیچ کس گول نمی خورد: وزیر امور خارجه دموکرات، دو سناتور جمهوری خواه و سه روزنامه نگار صهیونیست افکار عمومی را برای یک چرخش سیاسی آماده می کنند.

۴ فبروری، واشینگتن پست مقاله ای بی امضاء منتشر کرد و طی آن توجه عمومی را به شکست سیاست ایالات متحده در سوریه جلب کرد (۸). این روزنامه نتیجه می گیرد که: «با و یا بدون سازمان ملل متحد، زمان آن فرا رسیده تا دولت اوباما به جنایاتی که به رژیم نسبت داده شده و تهدیدات فزاینده ای [برای ایالات متحده] که به القاعده نسبت داده می شود رسیدگی کند. همانگونه که آقای کری اعلام کرده است، در حال حاضر، پاسخی وجود ندارد».

از این گزارشات چه نتیجه ای باید بگیریم؟

بیش از یک سال پیش، من در هفته نامه سیاسی روسی «اودانکو» مقاله ای طولانی درباره خطوط اصلی توافق مخفیانه بین واشینگتن و مسکو در رابطه با خاورمیانه منتشر کردم (۹). در آنجا تأکید کرده بودم که برای کاخ سفید آن چیزی که در منطقه بیش از همه حائز اهمیت می باشد نه نفت است و نه سوریه، بلکه نگرانی از بابت وضعیت اسرائیل است. بارک اوباما حاضر بود در صورت تضمین روسیه در مورد امنیت «دولت یهودی»، از بخشی از نفوذ خود در غرب خاور نزدیک قطع نظر کند.

در آن مقاله نوشته بودم: «وقتی سوریه ثبات خود را بازیافت، بایستی برای صلح عمومی بین اسرائیل و همسایگانش، در مسکو گردهمائی بین المللی تشکیل شود. ایالات متحده بر این باور است که قرارداد صلح جداگانه بین اسرائیل و سوریه ممکن نیست، زیرا سوریه به نام ملت عرب، ابتداء خواهان حل مسأله فلسطین است. ولی مذاکره صلح با فلسطینی ها نیز ممکن نیست زیرا تمایلات بسیار متعددی بین آنها وجود دارد، مگر این که سوریه آنها را وادار سازد تا توافق اکثریت را بپذیرند. در نتیجه هر مذاکره ای باید مبنی بر الگوی گردهمائی مادرید (۱۹۹۱) همه جانبه باشد. در این فرضیه، اسرائیل تا جایی که ممکن باشد به مرزهای ۱۹۶۷ باز می گردد. سرزمین های فلسطینی و اردن در هم ادغام شده و دولت فلسطینی نهائی را تشکیل خواهد داد. دولت آن نیز به اخوان المسلمین واگذار خواهد شد، یعنی راه حلی که از دیدگاه دولت های عرب کنونی معتبر خواهد بود. سپس، مبنی بر طرح پیشبینی شده در مذاکرات شفر دستون (۱۹۹۹) بلندی های جولان به سوریه بازگردانده خواهد شد و به ازای آن دریاچه طبریه به مالکیت اسرائیل درخواهد آمد. سوریه ضامن رعایت مفاد قرارداد در بخش اردن و فلسطین خواهد بود».

چنان که از شواهد امر بر می آید، کندی ایالات متحده در اجرای تعهداتش، و به همین گونه تناقضات کنونی و اعلام تغییر سیاست در آینده، تماماً و همزمان مشکل ایالات متحده در پیشبرد پرونده فلسطینی را بازتاب می دهد.

علاوه بر این جان کری در جلسه پرسش و پاسخ، رسماً به سفیر ولفگانگ ایشنگر در گردهمائی مونیخ، ۱ فبروری، به همین اولویت مسأله فلسطینی پرداخت. او گفت: «ما نفع بسیار مهمی در حل این مسأله داریم. من به هر کجای این دنیا که بروم، به شما بی هیچ اغراقی اطمینان می دهم، در خاور دور، در آفریقا، در امریکای لاتین - نخستین مسأله ای که از زبان وزیر امور خارجه، نخست وزیر یا رئیس جمهور مطرح می شود همین است» آیا می توانید سرانجام به این اختلاف اسرائیل و فلسطین خاتمه دهید؟» (۱۰)

طی جولای ۲۰۱۳، جان کری گفت و گوی صلح را طی ۹ ماه آینده به هر دو طرف تحمیل کرد (یعنی تا پایان اپریل ۲۰۱۴). چنین خواستی جای تردید دارد: زیرا چرا باید تاریخ معینی برای روند صلحی مشخص شود که هرگز در



Normal 0 21 false false false FR X-NONE AR-SA

وزیر امور خارجه جان کری هنگام گردهمایی مونیخ ۱ فبروری، پیرامون مسأله امنیت، حضار را مطمئن ساخت که مهمترین مسأله صلح در سوریه نیست، بلکه صلح در فلسطین است. گذشته وجود نداشته و طی ۶۵ سال به طول انجامیده است؟ به جز یک مورد خاص و آن هم این است که صلح در فلسطین را در پیوند با سوریه در نظر بگیریم.



عبدالله النصور، نخست وزیر اردن، وضعیت مذاکرات اسرائیل و فلسطین را در حضور پارلمان توضیح می دهد، ۲ فبروری ۲۰۱۴

نخست وزیر اردن عبدالله النصور خطاب به پارلمان، ۲ فبروری، در مورد وضعیت مذاکرات با تأکید و به عنوان نشانه ای از جدی بودن مذاکرات اظهار داشت که برای نخستین بار پشت درهای بسته و بدون حضور رسانه ها انجام می گیرد (۱۲). به همین مناسبت او موضع رژیم سلطنتی را نیز مشخصاً مطرح کرد (۱۳). عبدالله النصور کارمند عالی رتبه قدیمی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، منافع کشور خود را یادآور شد، که مقدماً توسط بریتانیایی ها برای حل مسأله فلسطین ایجاد شد. اردن آماده است که فلسطینی های کرانه باختری رود اردن و

نوار غزه را در یک فدراسیون جذب کند، ولی نه به هر قیمتی. شاه عبدالله ۲ گویا که حاضر است، بی قید و شرط، به سه میلیون فلسطینی که در کشور ربه سر می برند و به چهار میلیون در سرزمین های دیگر ملیت اردنی اهداء کند. بر این اساس به وضعیت پیش از جنگ ۶ روزه (۱۹۶۷) باز می گردیم، وقتی که اردن - و نه سازمان رهاییبخش فلسطین- نمایندگی فلسطینی ها را به عهده داشت و به امور آنها در کرانه باختری رود اردن و اورشلیم شرقی رسیدگی می کرد. در این صورت، شاه عبدالله مشمول کمک های بین المللی برای تأمین مالی حقوق اجتماعی هفت میلیون تابع جدید خواهد شد. عبدالله النور حجم کمک ها را بین ۱۶ تا ۲۰ میلیارد دالر تخمین زده است.

از سوی دیگر می دانیم که بر اساس پرونده ای به امضای رئیس جمهور ایالات متحده هاری ترومن، مذاکره کنندگان عرب بازشناسی اسرائیل به عنوان «دولت یهودی» و فلسطین به عنوان «دولت مسلمان» را مردود اعلام کردند. آنها به توافق رسیده بودند که در صورت باز شناسی متقابل دو دولت، یک میلیون و ششصد هزار فلسطینی که در سرزمین اسرائیل زندگی می کنند و پانصد هزار اسرائیلی که در کشور فلسطین به سر می برند می توانند ملیت خودشان را حفظ کنند و یا انتخاب کنند (۱۴). محمود عباس پیشنهاد کرد که در فلسطین باید نظامی زدائی صورت بگیرد و امنیت آن به یک نیروی «بی طرف» مثلاً ناتو سپرده شود. با این وجود ارتش اسرائیل می تواند طی پنج سال اول نیروهایش را در دره اردن حفظ کند (۱۵).

مذاکرات تنها به دولت ها منحصر نیست. از دو سال پیش، به ابتکار مجمع جهانی اقتصاد در داووس، سرمایه داران فلسطینی و اسرائیلی، به مدیریت «منیب المصری» و «یوسی وارد» در فکر هستند که چگونه با پول جامعه بین الملل موجب گسترش منطقه شوند. ولی ابتکار آنها برای شکستن بن بست، بیشتر برای منافع شخصی خودشان است تا برای منافع عمومی، از سوی دیگر، روی کمک های احتمالی حساب باز کرده اند.

با این وجود، این طرح ها با مخالفت فلسطینی های در تبعید روبه رو شده که امیدشان را برای بازگشت از دست داده اند - و ایالات متحده از آنها استقبال و یا پشتیبانی می کند. بر این اساس در حال حاضر هیچ کس در وضعیتی نیست که با آن مخالفت کند، لبنان دیگر دولت ندارد و حزب الله علیه القاعده می جنگد، سوریه با یک تهاجم خارجی دست و پنجه نرم می کند، عراق در جنگ داخلی به سر می برد، و ایران مذاکره می کند.

در نتیجه راه حل می تواند در اهداء تبعیت به فلسطینی های تبعیدی در کشورهای محل اقامتشان باشد، یعنی موضوعی که می تواند به مشکلات دیگری دامن بزند (به عنوان مثال بر هم زدن تعادل قومی در لبنان). به هر صورت، اگر سازمان فتح، حماس و اردن این راه حل بد را بپذیرند، نمی دانیم چه کسی می تواند علیه آن اعتراض کند. از این پس، محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران در مونیخ تضمین داد که در چهار چوب حل مسائل، کشورش دولت اسرائیل را به رسمیت می شناسد. یعنی موضوعی که فوراً توسط وزارت امور خارجه ایران بی اعتبار اعلام شد (۱۶). اصل صلح فلسطینی ایجاب می کند - واشینگتن خواهد پذیرفت - که در صورتی سوریه را راحت خواهند گذاشت که راه حل پیشنهاد شده را بپذیرد و اجرای آن را تضمین کند. تا آن وقت، جنگ ادامه خواهد داشت. اگر چه هیأت نمایندگی مخالفان رژیم در ژنیو تنها خواهان تسلط «بر مناطق آزاد شده» هستند که تقریباً به ۲۵۰۰۰۰ نفر محدود می شود، کنگره ایالات متحده نیز طی گردهمایی مخفیانه تصمیم گرفته است که بودجه و سلاح تهاجمی را تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۴ در اختیار آنها قرار دهد.

Notes

[1] « Communiqué des "Amis de la Syrie" réunis à Paris », Réseau Voltaire, 12 janvier 2014.

(۱) بیانیة «دوستان سوریه» در گردهمایی پاریس، شبکه ولتر، ۱۲ ژانویه ۲۰۱۴

[2] “John Kerry’s opening speech at the Geneva 2 Conference”, par John F. Kerry, Voltaire Network, 22 January 2014.

- [3] [“Open Hearing : Current and Projected National Security Threats Against the United States”](#), U.S. Senate Select Committee on Intelligence, 29 janvier 2014.
- [4] « [Les États-Unis, premiers financiers mondiaux du terrorisme](#) », par Thierry Meyssan, *Al-Watan* (Syrie), *Réseau Voltaire*, 3 février 2014.
- [5] [“Senator says John Kerry admitted U.S. failure in Syria”](#) par Fred Hiatt, directeur des éditorialistes du *Washington Post*, 3 février 2014.
- [6] [“Kerry Tells Senators That Obama Syria Policy Is Collapsing”](#), par Jeffrey Goldberg, *BloombergView*, 3 février 2014.
- [7] [“Senators : Kerry Admits Obama’s Syria Policy Is Failing”](#), par Josh Rogin, *The Daily Beast*, 3 février 2014.
- [8] [“The U.S. must reconsider its failed Syrian policy”](#), par le Comité éditorial, *The Washington Post*, 4 février 2014.
- [9] « [Сферы влияния](#) », par Thierry Meyssan, *Однако*, 26 janvier 2013. Version française : « [Obama et Poutine vont-ils se partager le Proche-Orient ?](#) », *Réseau Voltaire*, 22 février 2013.
- [10] We all have a powerful, powerful interest in resolving this conflict. Everywhere I go in the world, wherever I go – I promise you, no exaggeration, the Far East, Africa, Latin America – one of the first questions out of the mouths of a foreign minister or a prime minister or a president is, “Can’t you guys do something to help bring an end to this conflict between Palestinians and Israelis ?”
- [11] « [وزير الخارجية يضع مجلس الأمن أمام خيارين: إما السماح للفلسطينيين بالعودة إلى إسرائيل](#) », وكالة الأنباء الأردنية, 2 février 2014.
- [12] Sur l’équipe et la méthode de négociations de Kerry, lire [“John Kerry in final push to disprove cynics on Middle East peace deal”](#), par Paul Lewis et Harriet Sherwood, *The Guardian*, 30 janvier 2014.

[13] Les sept exigences jordaniennes sont :

1. Reconnaissance de deux États justes et durables sur les frontières de 1967.
2. Respect du droit international et de l’Initiative arabe.
3. Prise en compte des intérêts vitaux de la Jordanie.
4. Proclamation de Jérusalem-Est comme capitale.
5. Indemnisation.
6. Protection des lieux saints.
7. Égalité des droits quelque soit la religion des citoyens

dans chacun des deux États.

- (۱۳) هفت فراخواست اردن عبارتند از :
۱. بازشناسی دو دولت عادل و با ثبات در مرزهای ۱۹۶۷
 ۲. احترام به قوانین بین المللی و تصمیمات عرب
 ۳. رعایت منافع حیاتی اردن.
 ۴. اعلام اورشلیم شرقی به عنوان پایتخت.
 ۵. جبران خسارت.
 ۶. حفاظت از بناهای مذهبی و مقدس.
 ۷. حقوق برابر همه علی رغم مذهب شهروندان در دو دولت.

- [14] [“Hundreds of thousands of settlers may stay put under leaked framework for Middle East peace deal”](#), par Inna Lazareva, *The Daily Telegraph*, 31 janvier 2014.
- [15] [“Palestinian Leader Seeks NATO Force in Future State”](#), par Jodi Rudoren, et [“Abbas’s NATO Proposal”](#), par Thomas Friedman, *The New York Times*, 2 février 2014.
- [16] [“Iranian FM denies reports hinting at recognition of Israel if conflict with Palestinians settled”](#), par Ariel Ben Solomon, *Jerusalem Post*, 4 février 2014.

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۰ فیروری ۲۰۱۴

Quelle stratégie états-unienne au Proche-Orient

<http://www.voltairenet.org/article182037.html>